

امام حسن عسکری برای حفظ و تقویت تشیع چه نقشه‌هایی را اجرا کردند؟

نقش امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در حفظ و تداوم حیات شیعه چه بود؟

حضرت حسن بن علی معروف به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) یازدهمین امام شیعیان دوازده امامی هستند. ایشان پس از شهادت پدرشان امام هادی (علیه‌السلام) در 22 سالگی به امامت رسیده و در 29 سالگی شهید شدند. دوران امامت ایشان هم‌زمان با حکومت معتز، مهدی و معتمد عباسی بود.

امام در دوران امامتشان با شرایط سختی در محله و پادگان نظامی عسکر در سامرا زندگی می‌کردند. رفت‌وآمدها و ارتباطات و حرکات امام تحت نظر بود و همین مسئله ارتباط‌گیری با شیعیان را برای امام سخت کرده بود. امام در این شرایط مغلوب نشدند و صراحتاً از مسئله امامتشان پرده‌برداری کردند. ایشان با وجود علنی کردن امامتشان، برای حفظ جان و امنیت شیعیان با آن‌ها مستقیماً ارتباط نمی‌گرفتند و رابط‌هایی را برای این کار انتخاب کرده بودند، که به آن‌ها باب می‌گفتند.

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) برای رساندن مردم به یقین و باور برخلاف ائمه پیشین از علم غیب و برخی قدرت‌های ماورایی خود پرده برداشتند و راه هدایت باطنی¹ افراد را پیش گرفتند. افراد معمولی و عامه جامعه که تابه‌حال با این مسائل برخورد نکرده بودند، متحیر شده و اخبار این مسئله بین مردم در جریان بود. این مسئله ترس حکومت و حسادت نزدیکان امام را برانگیخت و کارشکنی‌های جدی علیه ایشان را به دنبال داشت.

با وجود حصر و حفاظت شدید امام توسط حکومت اقدامات خارق‌العاده و سرنوشت‌سازی توسط ایشان برای حفظ و تقویت جبهه تشیع صورت گرفت، اقداماتی که به سازمان‌دهی شیعه کمک زیادی کرد و جامعه را برای دوران غیبت امام بعدی آماده کرد.

هدایت باطنی نوعی از انواع هدایت است که بدون حضور فیزیکی امام صورت می‌گیرد و امام با قدرت نورانیت ذات خود به قلب‌های افراد اشراف می‌یابد و آنها را به صراط مستقیم و مسیر الهی هدایت می‌کند.¹

از کمک‌های بسیار بزرگی که امام حسن عسکری (علیه‌السلام) به شیعیان کردند، این بود که ایشان علوم و معارف سخت و پیچیده را از حصر خواص، علما و روحانیون درآورده و به علوم، آداب و احکام ساده و قابل فهم تبدیل کردند. درواقع ایشان دین را از حوزه‌ها خارج کرده و در زندگی روزمره مردم جاری کردند.

امام به هویت شیعه اقتدار بخشیدند. ایشان شیعیان را از پستوی خانه‌ها بیرون کشیدند و به آن‌ها روحیه عملیاتی و میدانی بخشیدند که ضمن مقاله به صورت مبسوط به آن می‌پردازیم. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) مستندات و نقل‌های پراکنده و از هم پاشیده از ائمه پیشین را که توسط شاگردان آن‌ها جمع‌آوری شده بود، یک‌پارچه تدوین کردند.

ایشان با هر شیوه و تدبیری به دنبال آماده کردن زمینه‌های غیبت امام بعدی بودند و رمزهای رشد و موفقیت و قدرت شیعیان را به شکل‌های مختلف به آن‌ها گوشزد می‌کردند، که در مقاله آن‌ها را شرح می‌دهیم. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) باغبانی بودند که اضافات درخت تشیع را هرس کرده و آن را برای ثمردهی آماده می‌کردند. شیعه حیاتش را مدیون زحمات بی‌دریغ امام جوانی است که از شناختن و شبیه شدن به ایشان غافل بوده است.

شرایط عصر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام)

اغلب ائمه تا زمان ولایت‌عهدی امام رضا (علیه‌السلام) صراحتاً از امامت خود پرده‌برداری نمی‌کردند. با این‌که با اعلام علنی امامت امام رضا (علیه‌السلام) توسط ایشان محبوبیت شیعه بیشتر شد و شیعه هویت پیدا کرد، اما دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) هم زیاد شدند. واضح است که هم دشمنان حکومتی و هم دشمنان خودی از این فضا برای آسیب رساندن به امام استفاده می‌کنند.

حکومت بنی‌عباس که در این دوره شدیداً از موقعیت امام ترسیده بود، ایشان را به منطقه عسکر در شهر سامرا منتقل کرد. عسکر که به معنای لشکر است، یک پادگان نظامی محافظت شده در حکومت عباسیان بود. هر کسی با خلفای عباسی مخالفت می‌کرد و خطری جدی برای آن‌ها داشت، به عسکر منتقل می‌شد و دیدارها و ارتباطات و حرکاتش به طور کامل کنترل می‌شد.

محبوبیت، علم و جدیت امام و همین‌طور این گمان که مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) فرزند ایشان است، بنی‌عباس را به وحشت انداخته و چشم از ایشان برنمی‌داشتند.

تا دوران امام رضا (علیه‌السلام) معرفت و شناخت نسبت به مقام و جایگاه امام بسیار کم بود و به مرور با تلاش‌های درست و مهندسی شده اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مردم نسبت به امام معرفت پیدا کردند، به ویژه برخورد مردم در عصر ائمه پایانی بسیار متفاوت با برخورد مردم با ائمه پیشین شده بود.

برای مثال ممکن بود مردم در عصر امام صادق (علیه‌السلام) نسبت به امام بی‌تفاوت و حتی بی‌ادب رفتار کنند، اما در عصر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم‌السلام) مردم با ادب و احترام بیشتری رفتار می‌کردند و مقام ایشان را درک می‌کردند، هیبت امام در این دوره برای مردم قابل فهم شده بود.

طبیعی است که حکومت نمی‌تواند شخصی را که علناً اعلام امامت کرده و طرفداران بسیاری دارد تحمل کند، این حرکت به معنای مقابله و اعلام دشمنی صریح با حکومت است و تبعید و حصر همه‌جانبه را به دنبال دارد. بنی‌عباس با این که از توهین و دشنام و اهانت به امام کوتاهی نمی‌کردند، اما جرئت قتل ایشان را هم نداشتند.

از ویژگی‌های بارز امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) این بود که ایشان بنا بر شرایط موجود جامعه صلاح دیدند، که برخی قدرت‌های ماورایی خود مثل علم غیب و طی‌الأرض را به شکل‌های مختلف به مردم نشان دهند؛ اتفاقی که در زمان ائمه گذشته و به‌ویژه در زمان ائمه پیش از امام رضا (علیه‌السلام) کمتر رخ می‌داد.

ایشان باید با روش‌های خاصی اذهان مردم را برای مسئله غیبت امام زمان آماده می‌کردند. ایشان مسئله هدایت باطنی حتی از راه دور را برای مردم نمایان و قابل باور کردند و اهمیت این اتفاق را در قلب و ذهن مردم پرتنگ کردند.

آن قدر علم غیب، هدایت باطنی توسط امام و اشراف امام به باطن افراد برای مردم عجیب و تازه بود که اخبار آن بین مردم می‌چرخید و تعجب همه را برانگیخته بود؛ چون بسیاری از پیشواهای مردم کسانی بودند، که در خوش‌بینانه‌ترین حالت یک فقیه معمولی بودند.²

اعلام‌الهدایت، جلد امام عسکری (علیه‌السلام)، گروهی از نویسندگان تحت نظر استاد سید منظر حکیم²

مشخص است که هر اندازه عظمت و هیبت امام نزد مردم بیشتر شود، حسودان و کینه‌توزان هم بیشتر خواهند شد. در همین شرایط بود، که برخی از امام‌زادگان و اقوام ایشان به طمع امامت و امکانات دست به شبهه‌افکنی و سنگ‌اندازی زدند. سختی شرایط برای امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، شیعیان و رابط‌های ایشان تا حدی شدت یافت که امام دستور دادند، شیعیان ارتباط و علاقه به ایشان را کتمان کنند و در مقابل حکومت از ایشان دفاع نکنند، اما سبک‌زندگی و حیات‌شان را طبق دستورات ایشان پیش ببرند.³

امامی که شیعه را از فاز تئوری به میدان عمل کشاندند

از مهم‌ترین اتفاقاتی که توسط امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در دوران امامت‌شان شکل گرفت، این بود که ایشان شیعیان را از پستوی خانه‌هایشان بیرون کشیده و یک اجتماع قدرتمند و متحد از آن‌ها ساختند. از جمله اقدامات امام در طول امامت‌شان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تبدیل علم و دانایی به معرفت و دارایی

امام آن قدر که دغدغه فهم مردم کوچه و بازار را داشتند، نگران خواص و علما نبودند. ایشان علم و فقه و اصول سخت و سنگین را از دست خواص نابلد خارج کرده و با زبانی ساده و روان به گوش ما رساندند. هنر بزرگ امام حسن عسکری (علیه‌السلام) این بود که معارف و مفاهیم را از روی کاغذ و زبان علما و مفسرین به عمل و آداب رفتاری و سبک زندگی مردم کشاندند. علم و فقهی که فقط برای پرسش‌گران و پژوهش‌گران علم و حدیث جذابیت داشت و برای عامه قابل فهم نبود، توسط امام به جملات قابل هضم تبدیل شد و به دست مردم عادی و قشر خاکستری جامعه رسید. سطح درک شیعیان توسط امام حسن عسکری و امام هادی (علیه‌السلام) بالا رفت. مفاهیم سختی را که نمی‌شد محل استفاده درستشان در زندگی روزمره را به آسانی

³ بحار الأنوار، جلد 50، ص 269

تشخیص داد، توسط این بزرگواران به لحن محاوره درآمد و به قلب‌های شیعیان تزریق شده و به عبارتی دین از نقل حدیث توسط محدثین^۴ به انجام مناسک و سبک زندگی برای همگان تبدیل شد.

تبدیل شیعه خاموش به شیعه عملیاتی

تمامی اهل بیت (علیهم‌السلام) یک انسان واحد هستند، که عمر امامت آن‌ها از زمان رحلت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا شروع غیبت امام مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) 250 سال طول کشید. همان‌طور که هر انسانی در موقعیت‌های مختلف زندگی در طول عمرش تصمیم‌ها و عملکردهای مختلفی دارد، اهل بیت (علیهم‌السلام) هم در برهه‌های مختلف تاریخ بنا به اقتضای زمان تصمیمات و رویکردهای متفاوتی داشته‌اند؛ انتخاب‌ها و مصلحت‌های مختلفی مثل سکوت، حکومت، صلح، قیام، دعا، تقیه و... امام هر عصری موقعیت‌شناس‌ترین فرد آن زمان است. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) مهندسی دانا بودند که بر اساس سیر تربیتی عمر 250 ساله امامت اهل بیت تا آن روز تشخیص دادند، که نوبت به تقویت روحیه عملکرد میدانی و عملیاتی شیعیان رسیده است.

دیگر وقت آن رسیده بود که شیعیان همگی و یک‌پارچه به انجام آداب و مناسکشان مشغول شوند. برای مثال امام دستور دادند، شیعیان انگشتر در دست راست بپوشند، نافله‌های نمازشان را علنی بخوانند، نماز را به جماعت بخوانند، بسم‌الله نماز را بلند بگویند و در سجده پیشانی به خاک بگذارند.^۵

امام در این دوره با جدیت شیعیان را به کارهای گروهی و وحدت جمعی ترغیب و دعوت می‌کردند و جدی‌ترین اصول را به شیرین‌ترین شکل ممکن اجرا می‌کردند.

کسانی که حدیث نقل می‌کنند.^۴
وسائل‌الشیعه، جلد 14، ص 478^۵

مثلاً زیارت اربعین از مهم‌ترین یادگارهای ایشان است. با این‌که روایت زیارت اربعین مربوط به امام صادق (علیه‌السلام) است، اما ترویج علنی و برپایی جدی آن مربوط به امام عسکری (علیه‌السلام) است. معمولاً در دوران ائمهٔ پیشین مثل امام صادق (علیه‌السلام) که شروع سفارش و تأکید بر عزای حسینی بود، شیعیان به صورت مخفیانه به زیارت اربعین می‌رفتند، تا دوران امام عسکری (علیه‌السلام) که با تدبیر زیارت گروهی اربعین جمعیت شیعیان را در روزهای خاص دور هم جمع کردند، تا اهداف خاصی محقق شود.

امام با یک تیر هوشمندانانه چندین نشانه را هدف گرفتند، مثلاً بزرگ‌ترین اهداف شیعه مثل وحدت جمعی و هم‌دلی برای برپایی حکومت عدل جهانی در این سفر ظاهراً ساده جریان دارد. ایشان شیعیان را برای این سفر تحریک کرده و آن را تبدیل به یک فرهنگ جمعی در مکتب شیعه کردند. به این ترتیب اجتماع شیعه تقویت و پررنگ شده و زمینه‌های برپایی دولت منجی موعود فراهم می‌شود، حقیقت سبک زندگی اسلامی و شیعی به همگان معرفی می‌شود، حس انتقام مصیبت عظیم سیدالشهدا و [مصیبت اعظم](#) دوری از امام در قلب‌ها زنده می‌شود.

تبدیل آثار پراکندهٔ شیعه به نوشتارهایی منظم و سازمان‌دهی شده

از مهم‌ترین اتفاقات عصر امام حسن عسکری (علیه‌السلام) تدوین آثار شیعه توسط ایشان است. از اقدامات اعجاب‌انگیز امام این بود که ایشان با وجود حصر نظامی زمان امامتشان را به عصر تدوین آثار شیعه تبدیل کردند. تا آن روز اگر کسی به حکم یا مطلبی از دین نیاز داشت، باید پاسخ سؤالش را از بین هزاران کتاب‌چه و دست‌نوشتهٔ پراکنده که توسط شاگردان ائمه ثبت و ضبط شده بودند، پیدا می‌کرد. این دست‌نوشته‌ها با همت امام عسکری (علیه‌السلام) تدوین شده و به شکل کتاب درآمدند.

ایشان مثل امام صادق (علیه‌السلام) در تدوین مفاهیم مکتب شیعه زحمت بسیاری کشیده‌اند، کتاب‌هایی مثل بصائر الدرجات، منابع کتاب اصول کافی، منابع کتاب من لایحضره الفقیه، منابع کتاب التهذیب و... در این عصر تدوین شده‌اند.

اکسیر ناب امام برای قدرت‌بخشی به جبهه شیعیان

امام عسکری (علیه‌السلام) در شرایط حساس و پر تنش می‌باید شیعیان را مدیریت و تربیت می‌کردند و هم باید آن‌ها را برای غیبت امام پس از خود آماده می‌کردند. ایشان می‌دانستند اگر شیعیان سبک زندگی فردی و اجتماعی خود را اصلاح نکنند و آداب دور از امام زیستن را نیاموزند، در شرایط غیبت امام بعدی دچار مشکلات فراوانی می‌شوند.

پس با یک برنامه دقیق و مهندسی شده، شیوه صحیح برخورد شیعیان با یکدیگر و همین‌طور در مقابل دشمنان را در احادیث و مکاتبات‌شان به مردم می‌آموختند. امام دائماً تلاش می‌کردند، شیعیان را به اوج وحدت و هم‌دلی با یکدیگر برسانند؛ همان شرطی که امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) آن‌ها را در [نامه به شیخ مفید](#) لازمه ظهور دانستند.

امام عسکری (علیه‌السلام) در [وصیت‌نامه](#) و سفارشات روزهای پایانی عمر شریفشان چراغ راه دوران تاریک غیبت را به دست مردم دادند. این نامه نقشه راه سعادت هر انسان برای شباهت به کامل‌ترین انسان عالم یعنی امام است. آیین‌نامه‌ای که اگر همگی جهت و سرعت‌مان در جاده زندگی را بر اساس آن تنظیم کنیم، با ایجاد جبهه‌ای قوی و یک‌پارچه از مسیر امام عصرمان جدا نمی‌شویم. امام به دو نکته اساسی در این نامه تأکید کرده‌اند: یک نکته مربوط به نوع برخورد شیعیان با یکدیگر و دیگری نوع تعامل آن‌ها با سایر مذاهب‌ها.

امام در آموزش نوع ارتباط شیعیان با یکدیگر بسیار به اکسیر اعجاب‌انگیز محبت می‌پردازند و بخش عمده سفارشات‌شان در این مسئله حول محور محبت به یکدیگر می‌چرخد. ایشان از شیعیان می‌خواهند، با محبت بی‌وقفه و بی‌حد به یکدیگر با بهانه‌های مختلف حامی و پشتیبان قوی همدیگر باشند و جناحی قوی و متحد برای امام‌شان بسازند.

مسئله بعدی سفارش امام در زمان مواجهه با دشمنان و دیگر مذاهب است، امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بسیار تأکید دارند، شیعیان مرز روابط خود را با دیگران حفظ کنند و با افراد غیر هم‌فکرشان صمیمی و همراه نشوند. عقیده امام بر این است که صف و حریمی بین شیعیان و دیگر مذاهب وجود داشته باشد، تا تفکر و عقیده آن‌ها در بازار داغ شبهات و سنگ‌اندازی‌های فکری دشمن آسیب نبیند. این حفظ حرم و صف‌بندی‌ها به معنای بی‌ادبی و بی‌احترامی نیست، اتفاقاً امام بارها به احترام و

کمک به دیگران سفارش می‌کنند، اصلاً عصارهٔ این نامه این است که شیعیان با تقوا و محبت و خوش‌رویی نماینده و تندیس نوع تفکرشان و معرف امام‌شان باشند، اما معتقدند شیعیان با آن‌ها یک‌رنگ نشوند.

حال باید فکر کنیم اهمیت این نکات و علت تأکید بر این سفارشات توسط امام عسکری (علیه‌السلام) چیست؟

امام عسکری (علیه‌السلام) در حال تدارک یک جبههٔ قوی و قدرتمند و متحد برای سپاه آخرالزمانی بودند و رمز این قدرت و اتحاد را تقوا و محبت بین افراد این لشکر می‌دانستند. آن‌چه شیعه قرن‌ها از آن ضربه خورده و امامش را به غربت و مظلومیت کشانده، نبود یارانی وفادار و شبیه به امام‌شان است، تا معرف حقیقی مکتب‌شان باشند. اغلب ما یا آن‌قدر درگیر مسائل فردی‌مان شده‌ایم، که از اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی مؤثر در جهت تقویت تشیع غافل شده‌ایم، یا آن‌قدر درگیر فعالیت‌های اجتماعی شده‌ایم، که خودسازی و مراقبت از نفس‌مان را فراموش کرده‌ایم. در حالی که یک سرباز مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نمی‌تواند، فقط به یک بُعد پردازد و از بعد دیگری غافل شود، در این صورت از شباهت به امامش عقب می‌ماند و درگیر دوره‌های باطل و بی‌ثمر می‌شود.